



# همیداران گزین بود نه پشت میز نشین

گفت‌وگو با معاون امور سیاسی دفتر رئیس جمهور

دکتر محمد جمشیدی، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بوده است که در دولت سیزدهم به معاون امور سیاسی دفتر رئیس جمهور منصوب گردید. او تحصیلات خود را در سال ۱۳۸۴، مقطع کارشناسی ارشد پیوسته در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی در دانشگاه امام صادق (ع) و مقطع دکتری را نیز در سال ۱۳۹۰ در رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه تهران به پایان رسانید. از سوابق اجرایی دکتر جمشیدی در این سال‌ها می‌توان به عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مدیریت گروه سیاست خارجی، معاون مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس اشاره کرد.

انقلاب اجتماعی کافی بود، ولی امام (ره) مقابل همه ایستاد. باز به تعبیر رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، راه آینده به دشواری گذشته نیست. ما حوادث بسیار تلخ‌تر، سخت‌تر و حجیم‌تری را پشت سر گذاشته‌ایم. جامعه به پشت سرش نگاه می‌کند و آن قدر حافظه تاریخی دارد که این فهم تاریخی و جمعی را داشته باشد که این حوادث هر قدر هم که حزن‌آلود و جانسوز باشند، امکان عبور از آنها و چشم‌گشودن به آینده وجود دارد.

• یکی از کلیدواژه‌های شهید آیت‌الله رئیسی این بود که باید در ساختار مدیریت کشور تحول ایجاد شود. آیا به این سمت حرکت کردند شما یکی از دستاوردهای مهم ایشان را تحول می‌دانید؟

به نظرم می‌شود تحول را از آخرین سکانس زندگی ایشان فهمید. موقعیت‌ها حرف می‌زنند و صامت نیستند. ایشان در حین خواندن یک گزارش اداری سکنه کرد. سفری که یک شخصیت دست‌چندم هم می‌توانست به جای ایشان برود، اما میدان‌گزین بود، نه پشت میز نشین. این یعنی تحول عملی. گاهی باید حقایق را با زبان گفت و گاهی زبان برش لازم را ندارد و باید در عمل نشان داد و ثابت کرد. به نظر من موقعیت پایانی و پرده آخر نمایش زندگی ایشان خیلی پرصدا و پرغوغا و پر حرف است. نشان می‌دهد مدیر تراز انقلابی یک

چون نسبت به شخصیت‌های سیاسی، مخصوصاً در نظام‌های لیبرال دموکراتیک، مردم احساسات پاک عمیق آن‌چنانی ندارند. به فردی رأی می‌دهند و او یا تا پایان دوره هست یا از دست می‌رود. کشش عاطفی ایمانی انسانی در آن نوع ساختارهای لیبرال دموکراتیک وجود ندارد، اما در اینجا دیدیم که در این ده دوازده ساعت مردم به امکان مقدس رفتند، دعا کردند و اشک ریختند. گویا در انتظار پنجره‌ای بودند که به روی یک عزیزشان گشوده شود. این نوع نسبت و تعلق خاطر واقعاً نظیر و شبیه ندارد و به نظرم فقط در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی متولد می‌شود.

• و دیگر؟

به نظرم حس سوم امید است. یعنی مردم عزیزی را از دست داده‌اند، اما این‌طور نیست که فکر کنند قطار انقلاب متوقف شده است یا دچار اختلال ساختاری شده‌ایم، امیدها درهم شکسته‌اند و باید زانو بزنیم. اصلاً این حس وجود ندارد و این هم به دلیل تجربه تاریخی ماست. دهه ۶۰ دهه بسیار پرحادثه‌ای بود. یعنی حوادثی که در چند دهه ممکن است اتفاق بیفتند، در یک دهه متراکم شدند. به تعبیر مقام معظم رهبری، امام (ره) با کاری که در دهه ۶۰ کرد، انقلاب را از گردنه‌هایی عبور داد که هر کدام برای ساقط شدن یک

• مواجهه شما با خبر شهادت آیت‌الله رئیسی چگونه بود و این خبر را در چه پازلی می‌بینید و چه پیش‌بینی‌ای از آینده دارید؟

بسم الله الرحمن الرحیم. سید محرومان، سید مغتتم، رئیس جمهور عزیز از دست رفتند. جامعه چند ساعت طولانی در خوف و رجا بود و مردم دست به دعا برداشتند و صحنه‌هایی خلق شدند که جز در نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی دیده نمی‌شود و نظیر و شبیه ندارد. مناسباتی که بین مردم و حکومت در این الگوی حکومتی وجود دارد، واقعاً در عالم سیاست که به خدعه و نیزنگ و فریب شهره شده است و تربیت این نوع کارگزارانی که وفاداری و تعهد و خلوص و مردمی آنهاست که باعث شده است در دل مردم جایگیر شوند. به نظر من الان جامعه سه حس همزمان دارد. یکی اینکه جامعه در حیرت به سر می‌برد و باور نمی‌کند که رئیس‌جمهورش را از دست داده است. رئیس‌جمهوری که این قدر به مردم نزدیک و در کنار آنها بود و متأسفانه حتی دور اول ایشان هم به پایان نرسید. بعضی از غم‌ها به قدری دفعی و ضربتی است که شاید زمان زیادی بخواهد که فرد باور کند و آنها را بپذیرد. من با هر کسی که صحبت می‌کردم همچنان این حس انکار و باور نکردن مسئله و کنار نیامدن با آن در آنها وجود داشت. دوم حس حزن است. این هم به نظرم عجیب است،



رئیس عزیز

ویژه‌نامه چهلمین روز عروج شهادت خدمت